

## تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن

سید سعید زاهد زاهدانی، دانشیار، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران\*

سید اسماعیل مسعودی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، ایران

### چکیده

تاریخ معاصر ایران مشحون از نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی خرد و کلان بوده است. این نهضت‌ها به‌ندرت از دیدگاه نظریه‌های جنبش اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است. نهضت جنگل که ۹ سال پس از امضای فرمان مشروطه در سال ۱۲۹۴ ش آغاز گردید، از اولین حرکت‌های ملت ایران در پاسخ به عدم تحقق آرمان‌های انقلاب مشروطه بود. در این تحقیق با مروری بر نظریه‌های جنبش اجتماعی، نظریه زاهد برگزیده شد که تناسب بیشتری با فضای تاریخ معاصر ایران دارد. این نظریه مهم‌ترین رکن در شناسایی جنبش را جهت جنبش می‌داند که در ایدئولوژی آن متبلور است. این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی رئالیستی با استفاده از استراتژی تحقیق پس‌کاوی و روش تاریخی انجام شده است. تحلیل شواهد تاریخی بر مبنای این نظریه نشان داد که نهضت جنگل با ایدئولوژی بسیار نزدیک با ایدئولوژی انقلاب مشروطه شروع شد اما در میانه راه دچار پارادوکس در ایدئولوژی شد. در ادامه هر چند موفقیت‌های اولیه و زودگذری کسب کرد ولی خیلی زود به دلیل همان پارادوکس از هم فرو پاشید.

کلیدواژه‌ها: نهضت جنگل، جنبش اجتماعی، نظریه جنبش اجتماعی، ایدئولوژی.

## مقدمه و بیان مسأله

تاریخ معاصر جهان شاهد انقلاب‌ها و جنبش‌های متنوع و گسترده‌ای بوده است، در ایران معاصر نیز شاهد شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های متعددی از جمله نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و جز آن بوده‌ایم. این جنبش‌ها به گونه‌ای هستند که به صورت حلقه‌های یک زنجیر در مقاطع مختلف اهداف بعضاً مشترک را دنبال کردند. و شاید بتوان مهم‌ترین نقاط مشترک جنبش‌های معاصر ایران را در اهداف آنها جستجو کرد. در راستای این اهداف جنبش‌های نسبتاً خردتر و محلی‌تری نیز به تقویت این جنبش‌ها کمک کرد. یکی از این جنبش‌های خردتر، نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی است که ۹ سال پس از انقلاب مشروطه در پاسخ برخی مطالبات محقق نشده انقلاب آغاز گردید اما نهایتاً به دلایل متعدد، بدون آن‌که اهداف خاص خود را به طور کامل محقق کند، از هم فروپاشید. نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی به مدت ۷ سال از سال ۱۲۹۴ هـ.ش. آغاز (۱۹۱۶ م.) و تا سال ۱۳۰۰ هـ.ش. (۱۹۲۲ م.) به طول انجامید. میرزا از افراد مؤثر در انقلاب مشروطه بود و از طرف روس‌ها به طور غیابی محکوم شد که به مدت ۵ سال به گیلان مراجعت نکند. اولین قالب تشکیلاتی نهضت «کمیته اتحاد اسلام» بود. آنها افکار خود را با تأسیس روزنامه جنگل در آن انعکاس می‌دادند.

جنبش با سه گروه به مبارزه برخاست، اول؛ حکومت مرکزی و حکام محلی و خوانین. دوم؛ انگلیسی‌ها. سوم؛ روسیه تزاری. اما با روسیه بلشویکی هم‌پیمان شدند و در سال ۱۲۹۹ شهر رشت را تصرف کردند و «حکومت جمهوری شورایی ایران» را تشکیل دادند. پس از مدتی کوتاه به دلیل اختلاف میان رهبران جنبش و هم‌پیمان شدن روسیه و انگلیس، قوای رضاخان توانست شهر رشت به تصرف درآورد و جنبش به نقطه پایان خود رسید.

واکاوی این نهضت، از دریچه نظریه اجتماعی و بخصوص نظریه جنبش اجتماعی امکانی است که شناخت دقیق‌تر ابعاد مختلف جنبش، تحلیل دلایل شکل‌گیری و فروپاشی، تبیین فرایندهای طی شده در آن و مهم‌تر از همه،

ارائه یک درک نظری نسبت به بافت اجتماعی ایران را مهیا می‌کند. بر همین اساس، ضمن مرور نظریه‌های جنبش اجتماعی، نظریه زاهد برای چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده است تا جنبش جنگل بر اساس آن تحلیل شود

## ضرورت و هدف

ضرورت این تحقیق از آن جهت است که ما نیاز به درک نظری و نه صرفاً تاریخی، از وضعیت تاریخ معاصر ایران هستیم تا با استفاده از این درک نظری بتوانیم موقعیت کنونی و آینده ایران را تحلیل نماییم. بنابراین هدف ما در اینجا ارائه یک مدل و طرح نظری از وضعیت جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران و به خصوص نهضت جنگل است.

## سؤال و فرضیه

- روند شکل‌گیری، گسترش و افول نهضت جنگل چگونه بوده است؟

- نهضت جنگل مبتنی بر ایدئولوژی خاص خود شکل گرفت و در ادامه تغییر موضع ایدئولوژیک داد و نهایتاً به دلیل همین تغییر موضع، از هم فرو پاشید.

## مروری بر نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی

ماریو دیانی معتقد است جنبش اجتماعی یک فرایند اجتماعی ویژه‌ای است و مکانیسم‌هایی دارد که کنش‌گران در یک کنش جمعی با آن درگیر هستند (Diani, 2006: 20). هربرت بلومر نیز در تعریف جنبش‌های اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «فعالیت جمعی چشم‌گیر برای استقرار نظم جدیدی از زندگی» (Blumer, 1969: 199). رابرتسون میان رفتار جمعی و جنبش تفاوت قائل است. به نظر وی «گرچه رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی هر دو واکنش‌های جمعی در مقابل شرایط مسأله‌داری هستند اما جنبش‌های اجتماعی نسبتاً ساختار یافته‌تر و ماندگارتر هستند» (Robertson, 1988: 534).

در نظریه‌های جامعه‌شناسی، مکاتب و تقسیم‌بندهای گوناگونی وجود دارد و مهم‌ترین دسته‌بندی آن‌ها، تقسیم نظریات به خرد و کلان، یا عامل‌گرا و ساختارگرا است، در

اجتماعی مشترک افراد است که به خوبی در ایدئولوژی جنبش متبلور شده است. از همین رو می‌توان دسته‌سومی میان عامل‌گرا و ساخت‌گراها تفکیک کرد و با عنوان رابطه‌گرا نامید که تأکید بیشتر بر هویت جمعی و ارتباطی افراد دارند.

وجه دقیق‌تر سنخ رابطه‌گرا را در نظریاتی مشاهده می‌کنیم که بر سازمان جنبش اجتماعی تأکید دارند. از جمله نظریه مک کارتی و میر زالد که در کتاب *جنبش‌های اجتماعی* در یک جامعه سازمان یافته در سال ۱۹۸۷ طرح شده است. برای آنان جنبش‌های اجتماعی از سه نوع سازمان یا سه گروه از سازمان‌ها تشکیل می‌یابد: الف) سازمان جنبش‌های اجتماعی (SMO)، ب) گروه‌های شاغل در جنبش‌های اجتماعی (SMI) و ج) بخش جنبش اجتماعی (SMS) (McCarthy & Zald, 1987: 20-22). چارلز تیلی یکی از نویسندگان مشهور مکتب "تجهیز یا بسیج منابع" است. مبنای فکری وی نیز مانند مک کارتی و میر زالد است. بر اساس نظریه وی سه عامل اصلی و سه عامل با درجه دوم اهمیت در هر جنبش اجتماعی مداخله می‌کنند. "عناصر اصلی" "منافع"، "سازمان"، "تجهیز و بسیج" و عناصر درجه دو "ممانعت/تسهیل"، "قدرت"، "فرصت/تهدید" هستند. تأکید بیشتر او بر "سازمان" و "تجهیز و بسیج" است (Tilly, 1978: 7).

اما دیدگاه‌های ساخت‌گرایانه را می‌توان در آرای نیل اسملسر و آلن اسکات و تورن مشاهده کرد. نیل اسملسر با گرفتن منطق «ارزش افزوده» از اقتصاد، به تحلیل اشکال مختلف رفتارهای جمعی می‌پردازد. منطق ارزش افزوده چنین می‌گوید که در مراحل مختلف زمانی علت‌هایی وجود دارند. هر چند این علت‌ها ممکن است برای مدت زمان زیادی قبل از فعال شدنشان نیز موجود بوده باشند (Smelser, 1962: 19). بر این اساس به نظر او شش مرحله پشت سر هم

نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی نیز می‌توان این دسته‌بندی را دنبال کرد. البته واضح است که از خرد تا کلان یا از عامل تا ساختار یک طیف است، برخی به ساختارگرایی نزدیک‌ترند و برخی به عامل‌گرایی. نکته دیگر اینکه همان‌طور که افرادی مانند پیر بوردیو و آنتونی گیدنز در تلاش هستند که نظریه جامعه‌شناسی را از دوگانه انگاری عامل - ساختار نجات دهند، دانشمندانی مانند نیک کراسلی با الهام از نظریات بوردیو، همین تلاش را در نظریه جنبش اجتماعی پی می‌گیرد. بنابراین می‌توان نظریه‌های جنبش اجتماعی را بر اساس این دسته‌بندی‌ها مرور کرد.

در یک سر طیف، می‌توان به نظریه هانس تاک اشاره کرد که به لحاظ نظری در دسته عامل‌گرایی قرار دارد. وی در کتاب *روان‌شناسی اجتماعی جنبش‌های اجتماعی*، که در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسیده است، معتقد است که جنبش اجتماعی شامل افرادی است که در تلاش هستند مسأله خود را از طریق اجتماع حل کنند. او می‌گوید یک فرد در مقابل "موقعیت مسأله" داری در جامعه قرار می‌گیرد. اگر اقدامی توسط عاملان یا نهادهای اجتماعی، برای حل آن شرایط مسأله‌دار صورت نگیرد، به مسأله‌ای برای آن فرد، تبدیل می‌شود. اگر مجدداً عکس‌عملی از طرف جامعه نسبت به آن مسأله صورت نگیرد، فرد از خود عکس‌عمل نشان می‌دهد. به این ترتیب انگیزتگی فردی بروز می‌کند. افرادی که نسبت به یک مسأله انگیزتگی شده‌اند، گرد هم می‌آیند و درخواستی تنظیم می‌کنند. برای اینکه خواسته خود را تنظیم کنند به یک ایدئولوژی متوسل می‌شوند و از طریق آن، جنبش اجتماعی ایجاد می‌گردد (Toch, 1966: 27).

هربرت بلوم ریک گام از فردگرایی و عامل‌گرایی تا دورتر می‌شود، تأکید بلومر بر فعالیت جمعی بیشتر مبتنی بر انگیزتگی‌های فردی است. از همین رو وی جنبش را به عنوان "فعالیتی جمعی که می‌خواهد نظم نوینی ایجاد کند" تعریف می‌کند (Blumer, 1969: 99). هر چند در نگاه وی سنخ فعالیت جمعی متفاوت از فعالیت افراد است و از این لحاظ از تاک فاصله می‌گیرد اما این فعالیت جمعی بلومر را به نگاه ساخت‌گرایانه نمی‌کشاند بلکه تداعی کننده نوعی هویت

<sup>1</sup> resource mobilization theory

<sup>2</sup> interest

<sup>3</sup> organisation

<sup>4</sup> mobilisation

<sup>5</sup> repression/facilitation

<sup>6</sup> power

<sup>7</sup> opportunity/threat

اندک درباره جنبش‌ها و اعتراضات صحبت کرده است و آنچه که مطرح نموده نیز مسأله‌آمیز است. از همین رو کراسلی با توجه به کلیدواژه «عادت‌واره» که محمل ایفای نقش عامل و ساختار است، جنبش اجتماعی را تحلیل کرده است. او معتقد است می‌توان از فرمول زیر برای تحلیل جنبش استفاده کرد (Crossley, 2002: 168):

عادت‌واره + میدان = جنبش

### چارچوب نظری تحقیق

هر چند کراسلی تلاش کرده است بر اساس نظریه بوردیو نظریه‌ای ترکیبی درباره جنبش‌های اجتماعی ارائه دهد اما از یک طرف نظریه بوردیو تمایل بیشتری به سمت ساخت‌گرایی دارد تا اینکه ترکیبی از عامل و ساختار باشد و از طرف دیگر این نظریه به بُعد رابطه به عنوان یک بُعد مستقل در کنار ساختار و عامل توجه نمی‌کند.

اما زاهد در نظریه جنبش‌های اجتماعی خود تلاش کرده است ضمن توجه همزمان به سه بُعد به صورت استقلالی، آن‌ها را در ترکیبی جدید قرار دهد. زاهد معتقد است هر جنبش اجتماعی سه بُعد دارد: زمینه اجتماعی (ساخت)، کنش‌گران (عامل)، ایدئولوژی (رابطه/ جهت) (زاهد، ۱۳۸۹: ۸۱). «زمینه اجتماعی»، «مکان» جنبش‌هاست. امکانات و محدودیت‌های آن، تسهیلات و مزیقه‌هایی برای کنش‌گران جنبش به وجود می‌آورد، ترکیبی از قابلیت‌های افراد و منابع اجتماعی، ایجاد جنبش را ممکن می‌سازد. شرایط اجتماعی محیط جنبش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد و نمی‌تواند از آن جدا گردد» (زاهد، ۱۳۸۹).

ایدئولوژی عامل ربطی جنبش‌ها است و در واقع جهت حرکت جنبش را نشان می‌دهد، از همین رو مهم‌ترین رکن جنبش ایدئولوژی است. البته باید توجه داشت که در آرای همه دانشمندان جنبش اجتماعی ایدئولوژی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به عنوان مثال، برای تاک ایدئولوژی "مجموعه‌ای از عقاید به هم مرتبط" است که "توسط گروهی از اشخاص به کار گرفته می‌شود" و به عنوان "یک سکوی پرتاب برای جنبش اجتماعی" عمل می‌کند (Toch, 1966: 21).

در همه رفتارهای جمعی وجود دارد: ۱- ساخت مساعد<sup>۱</sup>. ۲- التهاب ساختی. ۳- رشد و گسترش یک اعتقاد عمومی. ۴- عوامل مداخله‌گر. ۵- تجهیز و بسیج شرکت‌کنندگان برای کنش. ۶- فعال شدن کنترل اجتماعی (Smelser, 1962: 15-17). بر اساس این نظریه مهم‌ترین نقطه‌ای که جنبش از آن آغاز می‌شود التهاب ساختی است.

آلن اسکات در کتاب خود با عنوان: *ایدئولوژی و جنبش‌های اجتماعی جدید* (۱۹۹۰) به بحث پیرامون جنبش‌های سیاسی جدید پرداخته است. او می‌گوید «جنبش‌های اجتماعی جدید، حداقل از لحاظ مبنای اجتماعی‌شان جنبش‌های طبقاتی، به مفهوم وبرگرای آن که توسط گلنر<sup>۳</sup> بسط داده شده است، می‌باشند» (Scott, 1990: 139).

نیک کراسلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) ضمن مرور و تحلیل نظریه‌های جنبش اجتماعی، به دنبال این است که یک چارچوب ترکیبی برای تحلیل جنبش‌ها طراحی کند. او بر این باور است نقطه ضعف اساسی تمام نظریه‌هایی مرور شده در بالا، مسأله عاملیت و ساختار بوده است و راه‌حل برای غلبه بر این ضعف، در نظریه کنش پیر بوردیو قرار دارد. استدلال کراسلی در رابطه با نظریه و کار بوردیو سه بعد دارد: اول اینکه نویسنده معتقد است که نظریه کنش بوردیو هم در رابطه با عاملیت، هم ساختار و هم ارتباط بین عاملیت و ساختار، قوی است و بدین وسیله یک نظریه عمومی پرنفوذ را مطرح می‌کند که در مقایسه با نظریاتی که تا الان مورد بحث قرار گرفته‌اند، کاربرد بیشتری در رابطه با تحلیل جنبش‌ها دارد. دوم اینکه وی بر این نظر است که نظریه بوردیو یک چارچوب مرتب و منظمی فراهم می‌کند که قادر است بسیاری از بینش‌های گوناگون و پراکنده‌ای که در رابطه با تحلیل جنبش‌ها قبل از این ارائه شده است، را در خود جای دهد و چارچوب منسجمی را به‌وجود آورد. سوم اینکه مزایای نظریه بوردیو بیشتر در سطح نظریه عمومی کنش است و بسیار

<sup>1</sup> Structural conduciveness

<sup>2</sup> weberian

<sup>3</sup> Gellner

<sup>4</sup> Crossley, Nick, 2002: Making sense of social movements

اجتماعی متصل می‌کند. قابلیت‌های افراد از طریق رهنمودهای ایدئولوژیک، به فرصت‌های اجتماعی افزوده می‌گردد و این ترکیب جنبش را در راستای جهتی که توسط ایدئولوژی مشخص می‌شود به حرکت در می‌آورد» (زاهد، ۱۳۸۹: ۸۵).

کنش‌گران نیز بُعد سوم جنبش را تشکیل می‌دهند که به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱- رهبران جنبش، ۲- کسانی که اندیشه‌ها و فرمان‌های رهبران را توزیع و پخش می‌کنند و ۳- پیروان جنبش. تمام این گروه‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی هستند و از زمینه اجتماعی اثر می‌پذیرند. رهبران، جنبش را بر اساس یک اندیشه نو آغاز می‌کنند. آن‌ها بر اساس آن تفکر تازه، یک ایدئولوژی، در مقابله با زمینه اجتماعی می‌سازند. اولین گروه پیروان آن ایدئولوژی، یک حلقه فکری و سازمان کوچک، در اطراف رهبران جنبش تشکیل می‌دهند. پیروان اولیه برای این که بر تعدادشان افزوده گردد و به تدریج گروه بزرگ‌تری شوند، تلاش می‌کنند ایدئولوژی را به مردم معرفی نمایند. برخی از پیروان جدید به این حلقه اولیه می‌پیوندند و بیشتر تازه واردان گرچه ایدئولوژی را پذیرفته‌اند اما در عداد حلقه اول به حساب نمی‌آیند. کسانی که در حلقه اول قرار می‌گیرند وظیفه توزیع یا پخش ایدئولوژی و جذب پیروان جدید به جنبش را دارند. به همین مناسبت ما آن‌ها را "توزیع‌کنندگان" جنبش می‌نامیم. کسانی را که به داخل حلقه اول راه نمی‌یابند را به عنوان "پیروان" می‌خوانیم. عملکرد آنان اجرا یا به عمل در آوردن جنبش است. به عبارت دیگر وقتی آنان به صحنه می‌آیند جنبش عملاً ظهور می‌یابد (زاهد، ۱۳۸۹) باید سه نوع کنش یا رفتار در هر جنبش اجتماعی اتفاق افتد: "شناخت"، "عرضه"، و "اجرا". "شناخت" اولین قدم برعهده رهبران است. آن‌ها اندیشه‌ای را تشخیص می‌دهند و تلاش می‌کنند بر اساس آن، ایدئولوژی بسازند. ایدئولوژی برای این‌که ریشه اصلی خودآگاهی جنبش گردد، طراحی می‌شود. توزیع‌کنندگان لازم است ایدئولوژی را فراگیرند اما پیروان فقط کافی است که از آن مطلع باشند. هر سه گروه کنش‌گران دارای شناخت از اندیشه و ایدئولوژی جنبش هستند اما سطح درک آنان از رهبر به پیروان، نازل‌تر می‌گردد. گرچه دانش

از نظر ویلسون ایدئولوژی عامل اصلی بسیج‌کننده معترضان است: «ایدئولوژی یک نام مشترک است که به آن عقایدی داده می‌شود که مردم را برای عمل در یک جنبش اجتماعی بسیج می‌کند» (Wilson, 1973: 91). عقاید مردم مهم‌ترین نشانه هر جنبش اجتماعی از نظر تیلی است. وقتی یک جمعیت با عقاید همانند با هم عمل می‌کنند یک جنبش به وجود می‌آید (Tilly, 1978: 9). برای بلومر ایدئولوژی مشخصات زیر را دارد: الف) جهت را نشان می‌دهد؛ ب) وسیله توجیه است؛ ج) به عنوان سلاح حمله خدمت می‌کند؛ د) به عنوان سلاح دفاع عمل می‌کند؛ و ه) امید و آرزو عرضه می‌دارد- (Blumer, 1969: 110). از نظر ملوچی هویت جمعی تعریف مشترک و در ارتباطی است که توسط چند تن مرتبط با هم تولید می‌گردد که توجه به منشأهای کنش خویش و نیز محدودیت‌ها و امکانات زمینه‌ای که کنش آنان در آن انجام می‌شود دارند (Melucci, 1989: 34). در نظریه اسکات طبقه اجتماعی ایدئولوژی را می‌سازد و از طریق آن بستگی اجتماعی ممکن می‌شود. بسیج منافع یک بستگی اجتماعی در یک جریان مشارکت سیاسی، جنبش اجتماعی را می‌سازد (Scott, 1990: 6). تورن معتقد است که هر جنبش اجتماعی دارای یک ایدئولوژی است که نماینده روابط اجتماعی است (Touraine, 1981: 98). در نظریه زاهد «ایدئولوژی عامل عمده انسجام نظری یا انتزاعی (عقاید) و عملی یا عینی (سازمان مناسب) و تعیین‌کننده جهت جنبش است» (زاهد، ۱۳۸۹: ۷۵). بنابراین ایدئولوژی دارای دو بُعد است: بُعد نظری و بُعد عملی. بُعد نظری همان اعتقادات، آرمان‌ها و اهداف است که توسط رهبران جنبش ارائه می‌شود اما بُعد عملی ناظر به شیوه‌های عملی دستیابی به آن آرمان‌ها و اهداف است. به عبارت ساده‌تر، ایدئولوژی هم شامل آرمان‌ها و هم شامل ابزارهای و شیوه به‌کارگیری آنها است.

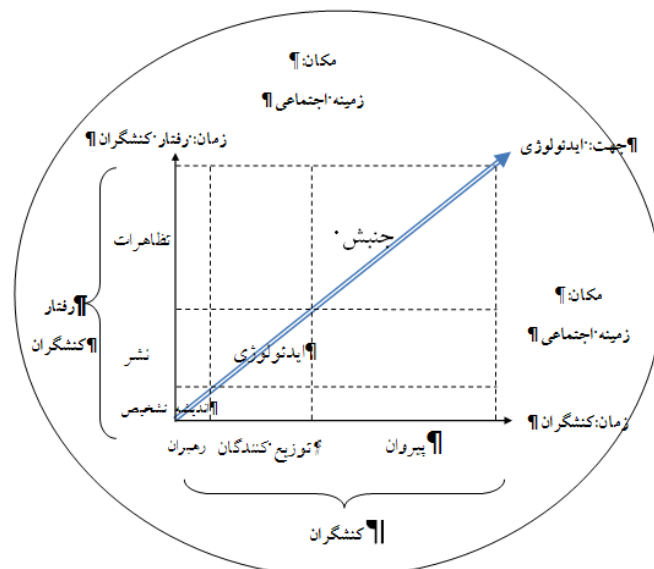
بر این اساس، در نظریه زاهد، «اعتقادات، قوانین و مقررات»، «آنچه به عنوان فرصت تلقی می‌شود» و «آنچه چنین به حساب نمی‌آید»، «چگونگی استفاده از منابع» و «راه‌های عملی تعقیب اهداف جنبش» همه و همه توسط ایدئولوژی رقم زده می‌شود؛ ایدئولوژی، افراد را به زمینه

ایدئولوژی اغلب به عنوان علامت بیرونی هر جنبش تلقی می‌گردد و عاملی است که جهت را نشان می‌دهد و اجزای مختلف هر جنبش را به یکدیگر متصل می‌کند، می‌تواند به عنوان یک شاخص برای تمیز جنبش‌های مختلف از یکدیگر به کار رود. بنابراین فرمول نهایی جنبش به صورت زیر است (زاهد، ۱۳۸۹: ۱۰۰):

زمان + جهت + مکان = موضوع یا کیفیت‌های مختلف هستی  
 عامل + رابطه + ساخت = جامعه  
 (رهبران + توزیع کنندگان + پیروان) کنش‌گران + ایدئولوژی +  
 زمینه اجتماعی = جنبش اجتماعی

راهکارهای روز به روز جنبش، می‌تواند جهت عکس داشته باشد. دیگر وظیفه رهبران، عرضه ایدئولوژی است. معمولاً رهبران ایدئولوژی را به توزیع کنندگان عرضه می‌دارند و توزیع کنندگان آن را به پیروان معرفی می‌کنند. در مجموع می‌توانیم بگوییم که عرضه یکی از مهم‌ترین وظایف توزیع کنندگان است. در آخر به "اجرا" می‌رسیم که رفتار نهایی همه کنش‌گران است (زاهد، ۱۳۸۹).

هیچ یک از عوامل ذکر شده در بالا به تنهایی عامل تعیین‌کننده جنبش نیستند. ترکیب هماهنگ آنان جنبش را می‌سازد. تفاوت بین جنبش‌های مختلف در نتیجه تفاوت در این عوامل یا نحوه ترکیب آنان با یکدیگر است. چون



شکل ۱- مدل اجتماعی جنبش زاهد

وجود دارد، معتقدند که هم موضوع شناسایی<sup>۱</sup> و هم فاعل شناسا<sup>۲</sup> از خصلت «ذهنی بودن» برخوردارند، اما مهم این است که می‌توان مجموع رابطه موضوع و فاعل شناسایی را به یک شیء «عینی» ارجاع داد تا از این طریق دچار نسبی‌انگاری مفرط رویکرد تفسیری نیز نشد. همین که افراد می‌توانند در زندگی تعامل کنند و همدیگر را درک کنند و در

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از رویکرد رئالیستی بهره می‌گیرد. روش رئالیستی در علوم اجتماعی با انتقاد از روش‌های پوزیتیویستی (اثباتی) و هرمنوتیکی (تفسیری) توسط روی باسکار و آندرو سایر مطرح شد. آن‌ها نه طبیعی‌انگاری پدیده‌های اجتماعی را که مختص روش‌های اثباتی است قبول دارند و نه ذهنی بودن مفرط روش‌های تفسیری را. بر همین اساس ضمن آن‌که می‌پذیرند تفاوت ماهوی میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی

<sup>1</sup> Object

<sup>2</sup> Subject

<sup>3</sup> Subjectivity

از فرایند ساخت مدل ساختارها و مکانیزم‌ها (بلیکی، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

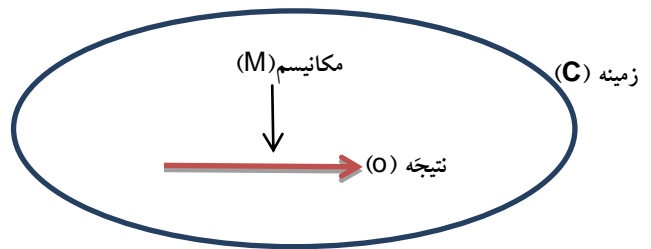
زاهد نیز نظریه جنبش اجتماعی خود را مبتنی بر رویکرد رئالیستی طراحی و تشریح کرد. او ضمن قبول مدل پائوسن، نظریه خود را منطبق بر آن دانسته و معتقد است «در یک زمینه اجتماعی خاص (C) کنش‌گران خاصی، به صورت سازمان یافته در جهت اهداف ایدئولوژیک به خصوصی (M) رفتار می‌کنند و به این ترتیب جنبش اجتماعی شکل می‌گیرد (O)» (زاهد، ۱۳۸۹: ۶۳).

البته نباید تعجب کرد که چگونه یک نظریه اجتماعی با روش تحقیق تا این اندازه قرابت دارند زیرا در رویکرد رئالیستی دوگانگی نظریه - روش نیز مانند سایر دوگانگی‌ها که لیدر به خوبی به آن‌ها اشاره می‌کند (عینی - ذهنی، کلان - خرد، نظریه آزمایشی<sup>۱۰</sup> - نظریه‌سازی<sup>۱۱</sup>، کیفی - کمی و ...) برداشته می‌شود (Layder, 2006: 28).

همان‌گونه که ذکر شد رویکرد رئالیستی با نقد روش‌های کمی و کیفی، روش خود را ارائه کرده است اما از یک طرف، به لحاظ روشی به الگو و مدل توجه می‌کند تا نوعی از نظم تکرار شونده پدیده‌ها را لحاظ کرده باشد؛ با این توجه که آن‌گونه که در روش‌های اثبات‌گرایانه مد نظر است این الگو و مدل، قوانین علی نیستند. از طرف دیگر، پژوهش را ناظر به توصیف و تبیین هم زمان می‌دانند؛ توصیف و تبیینی که از بستر مدل گذشته باشد. بنابراین از یک طرف با روش‌های تفسیری که به توصیف محض می‌پردازند و از هر گونه تعمیم و الگودهی اجتناب می‌ورزند متفاوت است و از طرف دیگر از تبیین علی جدا از زمینه که در روش‌های اثبات‌گرا به آن می‌پردازند اجتناب می‌کند. لذا روش رئالیستی با طراحی و ساخت مدل به توصیف و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد. از همین رو سؤال تحقیق باید براساس مدل تحلیلی توصیف شود نه این‌که فرضیه اثبات گردد (بلیکی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۴۰).

کنار آن تا اندازه‌ای تعمیم دهند نشان‌دهنده آن است که هم تعمیم (مشخصه رویکرد اثباتی) و هم درک و تفهم (مشخصه رویکرد تفسیری) در زندگی روزمره مردم وجود دارد (سایر، ۱۳۸۵: ۲۴-۳۲).

روش رئالیستی معتقد است علم مطالعه روابط خارجی بین موضوعات مشخص نیست بلکه بررسی روابط درونی است که محصول سازوکارهای زیربنایی است که قسمت‌های مختلف یک سیستم را به هم وصل می‌کنند. پائوسن مدلی ارائه می‌دهد که در آن نیروهای مداخله‌گر تحت یک «مکانیزم»<sup>۱</sup> (M) در یک «زمینه»<sup>۲</sup> (C) اجتماعی خاص «نتیجه»<sup>۳</sup> (O) را رقم می‌زنند. مدل پائوسن به صورت زیر است (Pawson, 2006: 21-22):



شکل ۲- مؤلفه‌های بنیادین تبیین علی رئالیستی (مدل پائوسن)

رویکردهای تفسیری یا کیفی معتقد به «زمینه‌گرایی»<sup>۴</sup> و «نظریه‌سازی»<sup>۵</sup> هستند و رویکردهای اثباتی یا کمی معتقد به «نظریه‌مداری»<sup>۶</sup> (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۶۶). اما رویکرد رئالیستی هم به زمینه توجه دارد و هم به مکانیزم، تا هم وضعیت‌های منحصر بفرد اجتماعی را از دست ندهد و هم از مکانیزم‌های علی برد متوسط در پدیده‌های اجتماعی غافل نشود.

رویکرد یا پارادایم رئالیستی نه مبتنی بر استراتژی تحقیق استقرائی<sup>۷</sup> و نه استراتژی تحقیق قیاسی<sup>۸</sup> است بلکه مبتنی بر استراتژی تحقیق پس‌کاوی<sup>۹</sup> است. این استراتژی عبارت است

<sup>1</sup> Mechanism

<sup>2</sup> Context

<sup>3</sup> Outcome

<sup>4</sup> Contextualism

<sup>5</sup> Theory-Building

<sup>6</sup> Theory-Based

<sup>7</sup> Inductive

<sup>8</sup> Deductive

<sup>9</sup> Retroductive

<sup>10</sup> Theory-Testing

<sup>11</sup> Theory-Building

رویکرد نمی‌توان یک تحقیق جدی را شروع کرد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۵۵).

با توجه به اینکه موضوع این تحقیق نهضت جنگل است ابتدا تلاش شده است با فضای سیاسی-اجتماعی آن مقطع زمانی و همچنین قبل و بعد آن در ایران آشنا شویم. در این میان، شناخت انقلاب مشروطه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا نهضت جنگل در کمتر از یک دهه بعد از انقلاب مشروطه شکل گرفت.

علاوه بر این، به طور کلی همه حرکت‌های اصلاحی و انقلابی و به خصوص در ایران معاصر متکی بر افکار و گرایش‌های نظری هستند. به همین علت افکار و گرایش‌های فکری آن دوران و نیز فضای فکری که جنبش جنگل در آن قرار داشت، مورد ملاحظه کلی قرار گرفت.

اما چهارچوبی که بتوان بر اساس آن به مطالعه تاریخی پرداخت، مدل رئالیستی نظریه زاهد درباره جنبش‌های اجتماعی است. همان‌طور که گفته شد بدون دست داشتن یک چهارچوب مشخص نمی‌توان به تحقیق در جامعه‌شناسی تاریخی پرداخت، از این رو مدل نظری جنبش اجتماعی این کمک را به تحقیق کرده است که در میان انبوه اطلاعات تاریخی به دنبال چه نوع اطلاعاتی باشیم. بر اساس این مدل، باید ایدئولوژی حاکم بر حرکت جنبش، افراد درگیر در جنبش شامل رهبران، توزیع‌کنندگان و طرفداران و همچنین فضای اجتماعی کلان جنبش باید هم‌زمان مورد ملاحظه قرار گیرد و درباره آن‌ها اطلاعات تاریخی کسب کرد.

## ۲- تعیین محل و ارزیابی کیفیت شواهد تاریخی (استخراج شواهد)

در این مرحله محقق از طریق کار کتاب‌شناسی، محل داده‌های تاریخی را تعیین و آن‌ها را گردآوری می‌کند. پس از آن درباره «ربط شواهد<sup>۱</sup>» و «دقت شواهد<sup>۲</sup>» پرسش می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۵۵). منابع و شواهد موجود درباره جنبش جنگل هر

بنابراین مبتنی بر روش رئالیستی و استراتژی تحقیق پس‌کاوی، مسیر روش‌شناختی این مقاله دارای دو مرحله است؛ مرحله اول: دست‌یابی به مدل مکانیسم پدیده‌های تاریخی بر اساس داده‌های تاریخی جنبش‌های اجتماعی ایران (آنچه که زاهد در نظریه خود بدان دست یافت و اثبات کرد)؛ و مرحله دوم: قرار دادن مدل در معرض داده‌های جدید تاریخی (آنچه که در این پژوهش انجام می‌گیرد). بنابراین سؤال تحقیق درباره جنبش جنگل بر اساس مدل مکانیسمی جنبش‌های اجتماعی توضیح داده می‌شود و نقش ایدئولوژی در آن تحلیل می‌گردد و همچنین بررسی فرضیه تحقیق است که آیا داده و شواهد استخراج شده فرضیه تحقیق که از مدل نظری استخراج شده است را تأیید می‌کند یا خیر.

## روش تحقیق

روش به کارگرفته شده در این تحقیق «روش تاریخی» است. روش تاریخی در جامعه‌شناسی تاریخی می‌تواند بر اساس پارادایم‌های روش‌شناسی، به گونه‌ای متفاوت دنبال شود. در پارادایم اثبات‌گرایانه روش تاریخی، بسیار شبیه به همان تکنیک‌های کمی اما با اصلاحاتی اندک انجام می‌گیرد و در پارادایم تفسیرگرایانه تحلیل تاریخی به روش تحقیق میدانی بسیار نزدیک می‌شود (ایمان، ۱۳۹۰: ۳۹۶-۳۹۷). در پارادایم رئالیستی نیز تحلیل تاریخی باید به دنبال کشف و شناخت مدلی از مکانیسم‌ها در یک زمینه اجتماعی باشد.

به طور کلی در هر تحقیق با روش تاریخی باید چهار مرحله دنبال شود:

### ۱- مفهوم‌سازی هدف تحقیق

محقق ابتدا با فضای محیط آشنا می‌شود و آنچه را که می‌خواهد مورد مطالعه قرار می‌دهد مفهوم‌سازی می‌کند. شاید با یک مدل سست یا مجموعه‌ای از مفاهیم مقدماتی آغاز کند و آن‌ها را در مورد یک محیط خاص به کار بندد اما نکته مهم این است که بدون چهارچوبی از موضوعات، مفاهیم یا

<sup>1</sup> Relevance

<sup>2</sup> Precision



به منابع پیش گفته، در مواردی که تعارضی در اقوال مشاهده می‌شد از استناد به آن خودداری گردید و در جاهای که اختلاف‌های ریز و درشت وجود داشت، قدر متیقن آن‌ها مورد استناد قرار گرفته است که با این شرایط دقت شواهد بالا می‌رود.

همچنین با توجه به چهارچوب اخذ شده، داده‌های مناسب از این منابع به صورت فیش‌های موضوعی استخراج شده است. به عنوان مثال فیش‌هایی زیادی درباره همه افراد درگیر در جنبش استخراج شده است که تعدد فیش‌ها و نگاه کلی به محتوای آن‌ها، کم کم جایگاه هر یک از افراد در جنبش مشخص می‌شود. این‌که دکتر حشمت یا احسان الله‌خان هر کدام از افراد مؤثر و اصلی جنبش هستند با این روش مشخص می‌شود و در مرحله بعد به صورت نظری جایگاه این افراد مشخص شده است.

### ۳- سازماندهی شواهد تاریخی

محقق در این مرحله از دیدگاه‌های نظری برای سازماندهی شواهد و داده‌های تاریخی استفاده می‌کند، سؤال‌های جدیدی درباره شواهد می‌پرسد و چه بسا مفهوم اولیه را بسط می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۵۵).

مبنای نظم‌دهی و سازماندهی شواهد و داده‌های تاریخی مدل نظری تحقیق است، به عنوان مثال افراد مؤثر در جنبش که از نزدیکان میرزا کوچک‌خان بوده‌اند مانند دکتر حشمت و احسان الله‌خان، به عنوان «توزیع‌کنندگان» ایدئولوژی جنبش شناخته می‌شوند که به همراه دیگر کنش‌گران، به عنوان یکی از ارکان سه گانه جنبش هستند.

آنچه در صفحات بعد تحت سه سرفصل «مکان جنبش: زمینه اجتماعی»، «زمان جنبش: کنش‌گران» و «جهت جنبش: ایدئولوژی» آورده شده، حاصل همین نظم‌دهی و سازماندهی شواهد و داده‌های استخراج شده است.

چند تعداد کمی هستند اما همین تعداد کم از حیث شیوه گردآوری و تدوین متفاوت هستند.

برخی منابع مانند تاریخ انقلاب جنگل نوشته محمدعلی گیلک، مشاهدات شخصی نویسنده است که خود از مبارزان جنگلی بوده، است. همچنین کتاب سردار جنگل نوشته ابراهیم فخرایی نیز ترکیبی از مشاهدات شخصی و اسناد تاریخی است. برخی نوشته‌های دیگر هر چند مشاهدات شخصی هستند اما نویسنده بیرون از فضای جنبش قرار دارد مانند ولایات دارالمرزگیلان نوشته لویی یاسینت رابینو. برخی کتاب‌های دیگر بیشتر مبتنی بر اسناد تاریخی و نه مشاهدات شخصی جنبش جنگل را تحلیل کرده‌اند مانند کتاب نهضت جنگل شاپور رواسانی. برخی کتاب‌ها و مقالات بر اساس اسناد تاریخی بخش یا وجه خاصی از جنبش جنگل را تحلیل کرده‌اند مانند مقاله «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل» نوشته عبدالله متولی که ارگان رسمی نشر افکار جنبش جنگل را بررسی کرده است. کتاب‌های تاریخی دیگری که به ایران معاصر پرداختند هر یک از زوایه‌های به خصوصی جنبش جنگل را در بخشی از کتاب خود تحلیل کرده‌اند. کتاب معروف و معتبر تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم الاسلام کرمانی از این دست است. کتاب معتبر دیگر ایران بین دو انقلاب نوشته پرواند آبراهامیان است که فضای ایران بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی بررسی کرده است. کتاب دیگر *The Political Economy of Modern Iran* نوشته همایون کاتوزیان است. کتاب‌های آبراهامیان و کاتوزیان برتری خاصی که نسبت به دیگر کتاب‌ها دارند این است که جنبش جنگل را در یک فضای کلی تاریخ معاصر ایران تحلیل کرده‌اند به همین سبب علاوه بر داده‌های تاریخی، سرنخ‌های تحلیلی مناسبی درباره جنبش جنگل ارائه می‌دهند.

یک راه دیگر برای کسب داده‌های تاریخی رجوع به اسناد تاریخی است که این در حیطه کار یک جامعه‌شناس نیست بلکه کار یک مورخ است. اما در این تحقیق در رجوع

#### ۴- تلفیق شواهد تاریخی (معنادهی شواهد)

در این مرحله محقق یک حرکت دیالکتیکی انجام می‌دهد. حرکت از انتزاع به واقعیت و از واقعیت به انتزاع (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۵۵). یعنی حرکت از مدل نظری به شواهد و از شواهد به مدل نظری. در ابتدا بر اساس مدل نظری شواهد را سازماندهی و معنادهی می‌کند و در گام بعدی این پرسش مطرح می‌شود که آیا این شواهد مدل نظری را تأیید می‌کند یا خیر. به عبارت دیگر در حرکت دوم، فرضیه و سؤال تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا شواهد، فرضیه استخراج شده بر اساس مدل نظری را تأیید می‌کنند یا خیر.

بنابراین، در این تحقیق، به طور کلی، بر اساس مدل نظری شواهد استخراج (مرحله دوم)، سازماندهی (مرحله سوم) و معنادهی (حرکت اول دیالکتیک مرحله چهارم) شده است. در گام نهایی (حرکت دوم دیالکتیکی) که مربوط به مرحله چهارم است فرضیه تحقیق بررسی شده است؛ اینکه آیا سیر حرکت (شکل‌گیری و افول) جنبش جنگل براساس تغییر در ایدئولوژی آن بوده است یا خیر؟ که در نهایت این فرضیه تأیید شده است.

#### سازماندهی شواهد

##### مکان جنبش: زمینه اجتماعی

فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ه.ش. امضا شده بود و جنبش جنگل در سال ۱۲۹۴ آغاز گردید، اتفاقات داخلی و خارجی این فاصله زمانی و نیز عوامل اجتماعی که به انقلاب مشروطه منجر شده است، زمینه و بستر اجتماعی شکل‌گیری نهضت جنگل را تشکیل می‌دهد. حتی می‌توان یک گام را جلوتر رفت و همان‌گونه که خود میرزا کوچک‌خان در چند جا و از جمله نامه به لنین در سال ۱۲۹۹ ش. از انقلاب ۱۴ ساله ملت ایران سخن می‌گوید (فخرایی، ۱۳۶۲: ۲۸۲)، نهضت جنگل را به‌طور کامل ادامه انقلاب مشروطه دانست (رواسانی، ۱۳۸۱: ۴۶).

همان‌طور که می‌دانیم انقلاب مشروطه از مبارزات علما و

روشن‌فکران و نیز همراهی بازایان و مردم به وقوع پیوست. مهم‌ترین خواست انقلاب تأسیس عدالتخانه و دفع ظلم و بی‌عدالتی توسط دولت بود. بدون آن‌که این بی‌عدالتی را متوجه شاه کنند آن را متوجه دولت و نخست‌وزیر می‌دانستند (کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۷۴-۳۷۶).

پس از انقلاب مشروطه وضعیت سیاست داخلی از شرایط مساعدی برخوردار نبود. دوره اول مجلس شورای ملی در ۱۵ مهر ۱۲۸۵ یعنی یک ماه بعد از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفردالدین شاه، افتتاح گردید. اما در تیرماه ۱۲۸۷ قبل از اتمام دوره قانونی آن، توسط محمدعلی شاه و به کمک روس‌ها به توپ بسته شد. در آبان ماه ۱۲۸۸ دوره دوم مجلس بازگشایی شد. اما پس از مدتی با این التیماتیوم روسیه تزاری روبه‌رو شد که در صورت عدم انحلال آن، روسیه خاک ایران را از شمال تصرف می‌کند که در نهایت مجلس دوم نیز منحل شد. مجلس سوم در ۱۳ آذر ۱۲۹۳ (دسامبر ۱۹۱۴) تشکیل گردید. اما مجلس سوم نیز در شرایط ناآرامی به سر برد. چون ۸ ماه قبل از آغاز به کار، یعنی در آوریل ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول شروع شده بود.

گیلان در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشته است. مردم گیلان به دو علت در نهضت مشروطه خواهی شرکت فعال داشتند: (۱) قیام و اعتراض در مخالفت با ستم‌های اقتصادی و سیاسی کارگزاران دولت و دربار؛ (۲) اعتراض بر ضد دخالت‌های کنسول روس که با اتکا به حضور ۲۵۰۰ قزاق مسلح روسی در امور اجتماعی و اقتصادی شهر و منطقه، از هیچ‌گونه اجحاف و زورگویی دریغ نداشتند. در نهضت مشروطه گیلان که در آن کمیته سری «ستار»، در رشت و در انزلی، انجمن‌های «عدالت، اخوت و برق» نقش رهبری داشتند، علاوه بر مجاهدان و روشنفکران گیلانی، تعدادی از انقلابیون قفقازی و گرجی نیز حضور داشتند. این کمیته، با کمیته‌های حزب سوسیال دموکرات ایران در باکو و کارگران ایرانی مقیم این شهر رابطه داشت و آن‌ها از این کمیته حمایت می‌کردند. با توجه به ترکیب اجتماعی رهبری مشروطه در

عبارت بود از نفت و مواد خام صنعتی (بیشتر به انگلیس) و محصولات ساخته شده سنتی به خصوص فرش (بیشتر به روسیه). در مقابل بین ۸۰ تا ۹۰ درصد واردات ایران از امپراتوری‌های روس و انگلیس بود» (Katouzian, 1981: 98-99).

خود میرزا کوچک‌خان درباره وضعیت حکمرانان ایرانی در بیانیه اعلام جمهوری شورایی ایران در سال ۱۲۹۹ می‌گوید: «ایران قرن‌هاست در دست استبداد سلاطین جور و امرای خودسر و خوانین جاه طلب و روسای شهوت ران و اربابان بی‌رحم صورت خرابه مهیبی به خود گرفته که هر عابر و هر ناظر متفکری از منظره اسفناک آن و ساکنان آن گرفتار بهت و حیرت می‌شود. در قرون اخیر سیاست جهانگیرانه همسایگان همسایه آزار ما (دولت انگلیس و حکومت‌های جابره تزاری سابق روسیه) ضمیمه مظالم حکمرانان شهوت‌پرست ایران شده است» (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۱).

مداخله‌های کشورهای روسیه و انگلیس به خصوص در زمان جنگ جهانی اول نیز شرایط نامساعد کشور را دوچندان کرد. هر چند ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرده، اما شرایط اجتماعی به خاطر تجاوزهای خارجی از طرف شمال و جنوب و غرب ایران، مسائل را برای دولتمردان و مردم سخت‌تر می‌کرد. در این سال‌ها (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) گیلان به عنوان دالانی برای رسیدن به شهرهای دیگر و نقاطی که جنگ در آن‌ها جریان داشت مورد استفاده و رفت و آمد قوای نظامی قرار گرفت. سربازان هنگام عبور از شهرها علاوه بر استفاده از مواد غذایی که سر راه آن‌ها بود، به فجایع بسیاری هم دست می‌زدند و موجبات ناامنی شهرها را فراهم می‌ساختند (خمایی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۹۱).

در اولین جنگ با نیروهای خارجی در سال ۱۲۹۴، در شب قبل از جنگ برای همراهان خود شرایط دول خارجی را این‌گونه ارزیابی می‌کند: «سال‌ها و قرن‌هاست که اروپای متعدی، اروپای حریص، چنگال ظالمانه خود را به اجساد نحیف هر ملت ضعیف فرو برده و آن‌ها را برده و بنده

گیلان، می‌توان پی برد که این رهبری، ائتلافی بود از کارگزاران رژیم استبداد و مالکان و خان‌هایی که برای حفظ منافع و موقعیت خود، به امواج نهضت و انقلاب سوار شده بودند اما بدنه اردو و نهضت، از وابستگان طبقات و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی شهری که می‌پنداشتند با استقرار مشروطه، مجلس شورای ملی، گروه‌ها و اقشار مردم محروم از ستم‌های اقتصادی و سیاسی آزاد خواهند شد، تشکیل می‌شد (رواسانی، ۱۳۸۱: ۲۵-۳۰).

ابراهیم فخرایی از دوستان میرزا در کتاب *سردار جنگل* شرایط اجتماعی‌ای که در آن نهضت جنگل پا گرفت را این‌گونه توضیح می‌دهد: «مسئله مهم این است که تغییرات سیاسی در ایران و گیلان موجب تغییرات اساسی در زندگی دهقانان، پس از استقرار نظام مشروطه نشد. از جمله این‌که رابطه دولت و حکام محلی و خوانین و اربابان با مردم تغییری نکرد. فقر و بیکاری و مهم‌تر از همه فقدان امنیت و تجاوز قوی به ضعیف که به جامعه ایرانی عموماً و به جماعت گیلانی خصوصاً تحمیل شده بود و اغتشاش در سراسر کشور بر اثر دسائس بی‌انقطاع همسایه جنوبی و تهدیات بی‌پروای همسایه شمالی وجود داشت» (فخرایی، ۱۳۶۲: ۲۹).

رابینو نایب کنسول انگلستان در رشت که در سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ م. (۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ ش) بود و روابط بسیار خوبی با حکام و مالکان داشت، نوشته است: «در بسیاری از دهات گیلان، دهقانان به سبب نرخ ظالمانه نزل، زیر فشار سنگین وامی که از مالکان خود گرفته‌اند از بین می‌روند و گاهی وضع بدی که از نظر برداشت محصول با آن روبرو می‌شوند، آنان را وادار به ترک دهکده می‌کند» (رابینو، ۱۳۷۴: ۱۶).

از نظر کاتوزیان وضعیت اقتصادی کشور در موقعیت مناسب قرار نداشت و با انقلاب مشروطه تغییر چندانی هم نکرد و شرایط آغاز قرن بیستم شبیه انتهای قرن نوزدهم بود: «در سراسر این دوره، تراز پرداخت‌ها دچار کسری مزمن بود و پیوسته بر بدهی‌های خارجی افزوده می‌شد. صادرات ایران

ماند» (رواسانی، ۱۳۸۱: ۳۸). در تاریخ ۱۳۲۵ در سن ۲۷ سالگی به عضویت انجمن روحانیون ایران - گیلان درآمد (گیلک، ۱۳۷۱: ۹). فخرایی معتقد است «میرزا یک مرد مذهبی تمام عیار بود. هیچ گاه واجباتش ترک نمی‌شد و از نماز و روزه قصور نمی‌کرد. به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت به طوری که در گوراب زرمخ مرکز تاسیسات نظامی جنگل جلسات منظمی برای قرائت شاهنامه و تهییج روح سلحشوری افراد ترتیب داده بود» (فخرایی، ۱۳۶۲: ۳۸). یحیی دولت‌آبادی میرزا را این‌گونه توصیف می‌کند: «میرزا کوچک خان مردی است قوی بنیه، سیه چرده، موی سر و صورتش انبوه، دارای اخلاق نیکو و در عین صلح و سلامت خواهی سلحشور، دوستدار عالم اسلامیت و طرفدار استقلال و آزادی ایران و مخالف حکومت‌های استبدادی خودی و بیگانه» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۹۳). میرزا طی اقامت در تهران به عضویت جمعیت اتحاد اسلام که از اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی متأثر بود درآمد. در رشت نیز هیئت اتحاد اسلام تشکیل شد. این هیئت مدتی نیز نقش مهمی در رهبری نهضت جنگل ایفا کرد. پس از التیماتیوم روس‌ها و انحلال دوره دوم مجلس شورای ملی، روس‌ها حکم غیابی مبنی بر عدم حضور در گیلان به مدت ۵ سال برای میرزا اعلام کردند. در بحبوحه جنگ جهانی اول با رفتن به رشت و واسطه قرار دادن یکی از روحانیون معتمد رشت با کنسول روس، اجازه حضور به صورت علنی در رشت یافت. در اولین فرصت با دوستان نزدیک خود از جمله دکتر حشمت دیدار کرد و تصمیم به قیام مسلحانه و چریکی گرفتند.

### توزیع کنندگان

حاج احمد کسمائی: از زمیندارن بزرگ گیلان و از کسانی بود که در همان ابتدا حرکت به میرزا پیوست اما به دلایل نه چندان منطقی با میرزا اختلافاتی داشت تا اینکه در سال دوم جنبش به همراه طرفداران خود از میرزا کناره می‌گیرد و تسلیم دولت می‌شود (فخرایی، ۱۳۶۲: ۱۷۰).

خویش کرده است. امروز که آتش قهر الهی در اروپا مشتعل و این درندگان به جان هم افتاده‌اند وقت آن است که ملل ضعیف گرد هم آیند و آستین خود را از چنگال این ستمکاران رها نمایند» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۲).

در نهایت این نکته نیز باید اضافه گردد: همان‌طور که تکلمه‌ای بر فرمان مشروطه مبنی بر لزوم اجرای قوانین اسلام افزوده شد، اجرای قوانین اسلام از مطالبات مردم در نهضت مشروطه بوده است. از همین رو لمتون معتقد است «در قرن نوزدهم ایران اغلب از طرف نویسندگان و گویندگان به عنوان مملکت اسلام و شاه نیز به عنوان پادشاه اسلام خوانده می‌شد. علاوه بر آن اعتراض معترضان جنبش اصلاحی که به انقلاب مشروطه منتهی گردید، بر علیه دست‌اندازی بیگانگان به "ممالک اسلامی" و "مسلمانان" بود نه "ایران" و "ایرانیان"» (Lambton, 1988: 301).

این تکلمه فرمان مشروطه مانند سایر بندها مورد توجه قرار نگرفت و عملاً مطالبه مردم درباره اجرای قوانین اسلامی همچنان به قوت خود باقی ماند. نهضت جنگل و به خصوص میرزا کوچک‌خان به این نکته توجه داشتند. از همین رو در شماره ۲۸ روزنامه جنگل آمده است: «ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم» (رواسانی، ۱۳۸۱: ۳۸).

### زمان جنبش: کنش گران - رفتار کنش گران

#### رهبر: میرزا کوچک خان

یونس فرزند میرزا بزرگ ملقب به میرزا کوچک که پس از قیام مسلحانه در جنگل‌های گیلان ملقب به میرزا کوچک‌خان جنگلی شد. «در سال ۱۲۹۸ هـ.ق. / ۱۲۵۹ هـ.ش. در محله استادسرای رشت متولد شد. در مدرسه حاج حسن و جامع رشت و سپس در مدرسه محمودیه تهران به تحصیل علوم دینی از قبیل صرف و نحو و فقه و اصول پرداخت اما با شروع نهضت مشروطه از تحصیل دست کشید و به صف انقلابیون پیوست و تا آخر عمر خود در کسوت انقلابی باقی

مرکزی اول حزب کمونیست ایران ائتلاف و علیه میرزا کودتا کرد و با او به جنگ پرداخت در دولت کودتا وزیر جنگ بود. در دوره سوم با مشاهده رویه روس‌ها و کمونیست‌ها دوباره با میرزا ائتلاف کرد اما در آخر این دوره هنگام حمله رضاخان به رشت، با وساطت نظامیان شوروی در تهران (کلانتراف)، این شهر را تسلیم کرد. خالو قربان کسی است که سر بریده میرزا را به تهران برده، تقدیم رضا خان کرد و رضاخان هم به او درجه سرهنگی ترفیع داد. اختلاف خالو قربان با میرزا بیشتر شد و به طور عمده بر سر مسائل مالی و قدرت بود تا امور سیاسی و اجتماعی (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

حیدرخان عموآغلی: او سوسیالیست دموکرات مشهوری بود که در انقلاب مشروطه نیز شرکت داشت. در خردادماه سال ۱۲۹۹ ه.ق. فرقه عدالت قفقاز کنگره‌ای به منظور جمع‌آوری داوطلب برای ارتش سرخ و تشکیل اتحادی با جنگلی‌ها در انزلی برگزار کرد. کنگره نام «حزب کمونیست ایران» را برای خود برگزید. در این کنگره در مورد ایران و به خصوص گیلان تبادل نظر شد. در این کنگره دو تر در مورد شرایط ایران وجود داشت که یک تر آن مربوط حیدرخان عموآغلی بود. حزب کمونیست در پایان کنگره اعلام کرد که با جنگلی‌های گیلان جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران را تشکیل داده است. از این تاریخ حیدرخان به جنگلی‌ها و میرزا نزدیک می‌شود و در شهریور ۱۲۹۹ حیدرخان عموآغلی به ریاست حزب کمونیست ایران منصوب می‌شود. پس از تسلیم خالوقربان و فرار احسان الله خان، حیدرخان در کنار میرزا باقی ماند. اما درباره پایان سرنوشت وی ابهام وجود دارد. در ۳۰ شهریور ۱۳۰۰، حیدرخان توسط افراد ناشناسی دستگیر می‌شود. و در این موقعیت حساس میرزا این هم پیمان خود را نیز از دست می‌دهد. رواسانی معتقد است حیدرخان به میرزا وفادار بوده و دستگیری وی توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها بوده است (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). اما فخرایی معتقد است، جنگلیان احساس می‌کردند حیدرخان قصد خیانت داشته و او را دستگیر کردند تا در فرصتی که شرایط مساعدتر

دکتر ابراهیم حشمت الاطباء: از دوستان نزدیک میرزا و از مجاهدان انقلاب مشروطه بود و بسیار مورد احترام میرزا بود. در جنگی که در سال ۱۳۳۷ ه.ق. / ۱۲۹۷ ه.ش. میان جنگلیان و نیروهای دولت رخ داد، میرزا چون نمی‌خواست با نیروهای خودی و ایرانی درگیر شود، دستور به عقب‌نشینی داد و به چند گروه تقسیم شدند، یک گروه به سرپرستی دکتر حشمت بود و نهایتاً پس از تعقیب و گریزهای فراوان دکتر حشمت و یارانش توان خود را از دست دادند و در نهایت امان‌نامه‌ای که بر جلد قرآن مجید نوشته شده بود برای دکتر حشمت و یارانش فرستاده شد، وی از این فرصت استفاده کرد و خود و ۲۷۰ نفر از یارانش را تسلیم کرد. میرزا همین که خبر تسلیم شدن دکتر را شنید بی اختیار گفت «انالله و انا الیه راجعون». چند روز بعد با حکم یک دادگاه فرمایشی نظامی در ۱۱ شعبان ۱۳۳۷ ه.ق. اعدام گردید (فخرایی، ۱۳۹۲: ۱۷۷-۱۸۰).

احسان الله خان: «روشنفکری آذری که در هنگام تحصیل در پاریس با آنارشیزم آشنا شده بود و دسته‌ای از دموکرات‌ها را از تهران با خود به رشت آورد» (متولی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). وی دارای تفکر ضد مذهبی بود و به سیاست روسیه اعتماد می‌کرد. این دو عامل سبب شد که در کودتای سال ۱۲۹۹ علیه میرزا همراه روس‌ها شرکت کند. وی عملاً عنان فکری و اجرایی خود را به دست حزب کمونیست ایران و روس‌ها سپرد. اما در دولت پس از کودتا، سرکمیسری (جایگاه میرزا در حکومت جمهوری شورایی) به وی سپرده شد. در حمله رضاخان به رشت که با توافق پنهانی روس‌ها و انگلیسی‌ها انجام شد، از رشت فرار کرد و به باکو رفت. در طول مدت اقامت در آن‌جا، مقرری ماهانه‌ای از روسیه بلشویکی می‌گرفت (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

خالو قربان: «او سرکرده گروه کوچکی از کارگران کتیراسازی و کردهای کرمانشاه بود و به کردهای مقیم گیلان تکیه داشت» (متولی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در اوایل نهضت با میرزا همکاری کرد. در دوره دوم انقلاب با احسان الله خان و کمیته

شد او را محاکمه کنند (فخرایی، ۱۳۶۲: ۴۲۰).

پیروان: پیروان نهضت جنگل ترکیبی بود از دهقانان محروم و ستم‌دیده، اقشار فقیر شهرنشین، افرادی که در امر تولید و توزیع کوچک و خرد شرکت داشتند، تعدادی از مالکان جزء و بخشی از روشنفکران وطن پرست. حضور اقشار دهقانی و زحمت‌کش شهری در نهضت جنگل در مقایسه با جنبش مشروطه برجسته‌تر و مشهودتر بود. اما حضور بازاریان و طبقات ثروتمند گیلانی کم‌رنگ‌تر بود. اقشار و طبقات ثروتمند گیلان (به خصوص تجار بزرگ بازار رشت) زمانی که نهضت جنگل اوج می‌گرفت به جانب‌داری آن می‌پرداختند و زمانی که شکست‌های نظامی و یا سیاسی رخ می‌داد، از آن فاصله می‌گرفتند. موضع‌گیری‌های آن‌ها بر اساس منافع تجاری‌شان بود. در جنگ جهانی اول که نیروهای انگلیسی به شمال ایران و انزلی لشکرکشی کردند و ارتباط‌شان با منطقه قفقاز که از سابق مهم‌ترین طرف تجاری آن‌ها بود، قطع شد، با میرزا در مخالفت با انگلیسی‌ها همراه شدند. در سال‌های ۱۳۰۰ که نیروهای ارتش سرخ روس و نیروهای انگلیسی از گیلان خارج شدند، اوضاع ناامن و نابسامان گیلان را به خاطر قیام جنگلیان نمی‌پسندیدند، در تصرف رشت به دست رضاخان هیچ مقاومتی از خود نشان ندادند تا قوای جنگلی از بین بروند (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). همچنین بسیاری از صاحبان املاک و خان‌ها که عموماً با دولت مرکزی ارتباط خوبی داشتند، از همان آغاز نهضت بنای مخالفت داشتند و چندبار خود به جنگ با میرزا آمدند (گیلک، ۱۳۷۴: ۲۰).

هرچند خود میرزا گرایش‌های اسلامی داشت و رفع ظلم و بی‌عدالتی و نیز استقلال کشور را ذیل آن تفسیر می‌کرد اما غلبه اصلی فکری در نهضت جنگل رفع بی‌عدالتی‌ها و به خصوص بی‌عدالتی ناشی از سیستم ارباب-رعیت یا مالک-دهقان بود. این به خاطر افراد تأثیرگذار در نهضت جنگل بود که با اندیشه‌های سوسیالیستی آشنا بودند. به همین علت عمده پیروان نهضت از قشر رعیت و دهقان بودند. علاوه بر

این طبقه روشنفکری که از این جماعت حمایت می‌کرد نیز روشنفکران نزدیک به جریان سوسیال دموکرات بودند.

### جهت جنبش: ایدئولوژی

آبراهامیان به وجود دو جناح در نهضت جنگل اشاره می‌کند: «جناح غیرمذهبی-رادیکال و جناح مذهبی-زمیندار» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱). که میرزا کوچک‌خان، حاج احمد کسمائی و دکتر حشمت از جناح مذهبی-زمیندار بودند که هر چند با اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی آشنا بودند اما پایگاه اصلی فکری خود را اندیشه‌های دینی و ملی می‌دانستند. از همین رو رواسانی معتقد بود ویژگی شاخص فکری میرزا کوچک‌خان تأکید او همزمان بر ایرانیت و اسلامیت بود. اما احسان الله خان، حیدرخان عمواغلی از جناح غیر مذهبی-رادیکال هستند که در واقع اندیشه‌های حزب سوسیال دموکرات قفقاز را در ایران دنبال می‌کردند (رواسانی، ۱۳۸۱: ۳۶).

ایدئولوژی نهضت جنگل را در سه محور خلاصه می‌کند: «اخراج نیروهای بیگانه، برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی، مبارزه با خودکامگی و استبداد» (فخرایی، ۱۳۶۲: ۵۱). اما مسأله این است که دو جناح نهضت، تفسیرهای متفاوتی از چیستی عدالت، استبداد، نیروهای خارجی و حتی استراتژی‌های رسیدن به آنها داشتند.

در سال دوم جنبش (۱۲۹۶) دکتر حشمت اعدام و حاج احمد کسمائی از نهضت جدا شد. به همین دلیل عملاً میرزا در جناح مذهبی-زمیندار تنها باقی ماند. پس از انقلاب مارس ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ ه.ش.) روسیه گروه‌های دموکرات بار دیگر جان گرفتند و در تهران اعلام وجود کردند و در این میان احسان الله خان و خالو قربان به جنگلی‌ها پیوستند (متولی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). حیدرخان عمواغلی نیز در سال ۱۲۹۹ به نهضت جنگل می‌پیوندد. در نتیجه گرایش‌های جناح غیرمذهبی-رادیکال غلبه پیدا می‌کند. از آن‌جا که میرزا بعد از فروپاشی روسیه تزاری و شکل‌گیری روسیه بلشویکی، دست دوستی به سوی

ایران را ترک می‌کنند و در عوض نیروهای انگلیسی به منطقه گیلان وارد می‌شوند آن‌ها نیز جنگلی‌ها را مانع خود می‌دیدند. بعد از اولین حمله هواپیماهای انگلیسی، جنگلی‌ها بیانیه‌ای خطاب به مردم با عنوان «ایرانیان موقع فداکاری است» می‌دهند: «باز هم می‌گوییم ما نه به سایرین نظر مخصوصی داریم نه با انگلیس دشمنی خاص، هر که به خانه ما تجاوز کرد با او دشمن هستیم. فعلاً با انگلیس اظهار عداوت و دشمنی می‌کنیم برای آن‌که امروز دشمن ما فقط اوست، او است که می‌خواهد مملکت ما را تصاحب کند اگر انگلیس دست از مملکت بردارد، ما را با او نزاعی نیست» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۲).

در خرداد ۱۲۹۹ فرقه عدالت وابسته به روسیه نخستین کنگره بزرگ خود را در انزلی تشکیل دادند. کنگره نام «حزب کمونیست ایران» را برگزید. در اواخر سال ۱۲۹۹ «جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران» در رشت با پشتیبانی ارتش سرخ تشکیل گردید و در ادامه حرکت خود قصد تصرف تهران را داشتند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۵).

در بیانیه اعلام جمهوری که با عنوان «فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل» منتشر شده، به خوبی می‌توان نزدیک شدن افکار و ایدئولوژی جنگلی‌ها را به روسیه بلشویکی و دور شدن از فضای اولیه ایدئولوژی جنبش مشاهده کرد:

تمام انبیاء اولیاء مقنن و بزرگان جمیع فلاسفه و حکماء، همه سوسیالیست‌های سابقه و حالیه و غیره کلیه غم‌خواران جنسی بشر هر کدام به نوبه خود در این عالم ظهور نمودند که همه افراد انسان را از مزایای این حق مشروع و طبیعی شان آگاه کنند. در قرون اخیر سیاست جهانگیرانه همسایگان همسایه آزار ما (دولت انگلیس و حکومت‌های جابره تزاری سابق روسیه) ضمیمه مظالم حکمرانان شهوت پرست ایران شده است. قوای احرار جنگل گیلان را که پنج سال و نیم است با تلافی هر گونه مشقت‌های طاقت فرسا در مقابل قوای ظالم انگلیس و ایران و مرتجعین مظلوم و اربابان القاب

ارتش سرخ روسیه دراز می‌کند و در حالی که امید به شعارهای آزادی خواهانه و مساوات طلبانه انقلاب روسیه دارد «جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران» را در گیلان تأسیس می‌کند. این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که میرزا هم به سمت اندیشه‌های سوسیالیستی گرایش پیدا می‌کند اما با تفسیر خودش و نه تفسیر کمونیستی.

این گرایش‌ها و جناح‌ها و نیز تغییرات گرایشی را می‌توان از مطالب منتشر شده در روزنامه جنگل، بیانیه‌ها، مرام‌نامه و به خصوص نامه‌نگاری‌ها و سخنرانی‌های میرزا کوچک خان دریافت.

روزنامه جنگل در سال اول در ۳۱ شماره منتشر شد که شماره اول آن شعبان ۱۳۳۵ ق بود و در سال دوم در ۴ شماره منتشر شد (فخرایی، ۱۳۶۲: ۱۴۰). این روزنامه بیشتر متعلق به جناح مذهبی - زمیندار بوده است (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱). در شماره اول آمده است: «این روزنامه فقط نگهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است». در مطالب روزنامه جنگل نمی‌توان اسامی صاحب نام و شهیر یا برخوردار از دانش عمومی یافت و در بیشتر مواقع نوشته‌ها بدون نام یا با عنوان «هیئت اتحاد اسلام» درج شده‌اند (متولی، ۱۳۹۰: ۹۷). آبراهامیان محورهای روزنامه جنگل را این چنین برمی‌شمارد: «خواستار کمک مالی به کشاورزان خرده پا، خودمختاری اداری برای گیلان، حفظ اسلام، الغای کلیه معاهده‌های نابرابر و خروج نیروهای انگلیسی از ایران» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

در شب قبل از اولین جنگ با نیروهای خارجی که نیروهای قزاق روسی بودند میرزا خطاب به یارانش می‌گوید: «برداران عزیز تاکنون هر جنگی که کردیم با برداران نااهل و خواب آلود ایرانی بود. فردا اولین دفعه‌ای است که با دشمنان دین و کشور روبرو شده، به جنگ و ستیز خواهیم پرداخت. این دشمن یکی از قوی‌ترین دشمنان بشریت مخصوصاً دشمن ایران و اسلام است که قسمت بزرگی از خاک ایران را در اثر عدم لیاقت و کفایت زمامداران نالایق به تصرف درآورده است». پس از انقلاب روسیه، نیروهای قزاق خاک

پیش می‌روند و نیروی سرمایه‌داری انگلیس در برابر دستجات متحد ایران و روس عقب می‌نشیند بسیار متأسفم که از کار کناره‌گیری کرده، مطلبی را متذکر می‌شوم که ملال‌آور است. قراردادمان با نمایندگان روسیه این بود که مسلک اشتراکی بین اهالی پروپاگاندا نشود ولی رفیق «ابوکف» و چند تن از اشتراکیون ایرانی که از روسیه آمده‌اند و از اخلاق و عادات ملت ایران بی‌اطلاعتند، به وسیله میتینگ و نشر اعلامیه در کارهای داخلی حکومت مداخله و آن را از اعتبار ساقط و زیر پایش را خالی می‌کنند و بدین طریق عملاً قوای نظامی انگلیس را تقویت می‌نمایند. حتی من و رفقایم را آلت دست سرمایه‌داران معرفی و کار انقلاب را به تخریب کشانده‌اند. از تمام نقاط ایران علیه تبلیغات اشتراکی اعتراض شده و اظهار داشته‌اند که هیچ‌گونه مساعدتی به انقلاب نخواهند نمود. مخصوصاً اهالی گیلان که تا چندی پیش حاضر بودند، خود را به آب و آتش بزنند از عملیات اشخاص مزبور اظهار تنفر نموده و حتی حاضر شده‌اند به ضد انقلاب اقدام کنند» (فخرایی، ۱۳۶۲: ۲۷۹-۲۸۳)

لنین به نامه میرزا پاسخ نداد اما مدیوانی پاسخ داد و مدعی شد که میرزا در سابق انقلابی بوده است اما اکنون به ضد انقلاب تبدیل شده است.

بنابراین میرزا به سبب عدم شناخت دقیق از سوسیالیسم روسیه - که البته آن موقع چهره بسیار آزادی خواهانه، مساوات طلبانه و ضدامپریالیسم و سرمایه‌داری داشته است - با آن‌ها همراهی می‌کند. میرزا میان کمونیسم و سوسیالیسم تمایز قائل بود و نیروهای ارتش سرخ را به تخطی از ارزش‌های سوسیالیستی و افتادن در دام کمونیسم متهم می‌کرد.

در تبیین ایدئولوژی نهضت جنگل باید به سه نکته اساسی توجه شود: اول این‌که بر اساس نظریه جنبش زاهد تشخیص و تبیین ایدئولوژی به عهده رهبر جنبش است و پس از آن باید حلقه اول جنبش، این ایدئولوژی را در میان مردم تبلیغ کنند و مردم نیز با آن همراه شوند. اما در جنبش جنگل، این‌گونه نبود که همه آراء و اندیشه از طرف میرزا کوچک‌خان

مناصب دروغی قیام کرد. [اکنون که] خداوند دست قهرمانان عدالت‌خواه روسیه را از آستین انتقام بیرون آورد و عقیده سوسیالیستی و رفع ظلم دشمنان بشری را توسعه داد، بازهم وقت و موقع استفاده ظلم‌های دیده‌های ایرانی و قوای ملی جنگل که ذخیره همه احرار ایران است فرا رسید.

جمعیت انقلاب سرخ ایران آمال خود را تحت مواد ذیل که برای عملی کردن آن با تمام قواء کوشش خواهد نمود اعلان می‌کند:

۱. جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملغی کرده، جمهوریت شوروی را رسماً اعلان می‌کند.
۲. حکومت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را بشارت می‌دهد
۳. هر نوع قرارداد و معاهده که دولت ایران قدیم و جدید با هر دولتی منعقد کرده، لغو و باطل می‌داند.
۴. حکومت جمهوری همه اقوام بشر را بلاتفاوت با این آمال شریک دانسته و درباره آن‌ها به تساوی رفتار کرده و حفظ شعائر اسلامی را نیز از فرائض می‌داند.

رشت ۸ رمضان المبارک ۱۳۳۸ (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۷۵-۲۸۲)  
میرزا در تمام مذاکرات و توافق‌نامه‌هایش با نیروهای انقلابی روسیه این شرط را گذشته بود که نباید مرام کمونیستی در ایران تبلیغ شود. او مرام کمونیستی را هم مخالف با دیانت خود و هم متناسب با شرایط اجتماعی اقتصادی ایران نمی‌دانست. اما حزب کمونیست ایران به توافق عمل نکرد و بلافاصله پس از اعلام جمهوری مرام کمونیستی را تبلیغ می‌کرد، به گونه‌ای که بسیاری از مردم ناراضی شدند، میرزا تلاش کرد با سخنرانی در مساجد مردم روشنگری کند تا بر دامنه نارضایتی آن‌ها افزوده نشود. اما در نهایت میرزا در اعتراض به چنین شرایطی رشت را ترک و به جنگل‌های فومن بازگشت و در ضمن نامه‌های به لنین و مدیوانی نوشته و مراتب اعتراض را اعلام کرده است:

نامه به لنین: «هنگامی که قشون فاتح کارگران و دهاقین روسیه، دشمنان‌شان را شکست داده، مظفرانه به قلب لهستان



کم کم بر تعداد مجاهدان گیلانی به خصوص از اهالی کسمای گیلان افزوده شد. آن‌ها جنگل را به عنوان مقر خود انتخاب کردند. در همان سال اول روزنامه جنگل را تأسیس کردند و افکار و ایدئولوژی و اقدامات خود را در میان مردم ترویج دادند. در سال اول روزنامه ابزار بسیار خوبی برای نشر عقاید و توضیح اقدامات آن‌ها بود. در آن‌جا از استبداد دولت و حکام محلی و نقش روسیه و انگلیس در چپاول ملت ایران سخن می‌گفتند.

خیلی زود درگیری‌های مسلحانه شروع شد. در ابتدا با حکام محلی از جمله حاکم طالش که از طرف دولت مامور شده بود، درگیر شدند و آن را شکست دادند بعد با نیروهای قزاق جنگیدند و آن‌ها را نیز شکست دادند و از این جنگ توانستند تعداد قابل توجهی اسلحه و اسب به غنیمت ببرند. بعد از آن مفاخرالملک رئیس ژاندارمری رشت به جنگ با جنگلیان آمد که او نیز شکست خورد و اسیر شد. اهالی روستایی به خاطر کینه و نفرتی که از مفاخرالملک داشتند وی را در مسیری که یاران میرزا او را به اسیری می‌بردند، به قتل رساندند. از این زمان به بعد، محبوبیت جنگلی‌ها در رشت زیاد شد، به طوری که بسیاری از مردم ستم‌دیده مظالم و شکایت‌های خود را از خوانین و حکام نزد میرزا می‌بردند. پس از مدتی دولت با قوای مجهزتری به جنگ با آن‌ها آمد، اما همه تلاش میرزا این بود که بردارکشی نکند. وی نیروهای خود را به چند دسته تقسیم می‌کرد و دستور به عقب‌نشینی می‌داد. دکتر حشمت و دسته او پس از تعقیب و گریزهای فراوان از پای درآمدند و بر اساس امان‌نامه‌ای که از دولت دریافت کردند تسلیم شدند اما پس از تسلیم شدن اعدام شدند. حاج احمد کسمائی که از زمین‌داران گیلان بود به خاطر اختلافات با میرزا از او جدا شد. یکی از دلایل اصلی این جدایی ماهیت حرکت و اندیشه میرزا بود که بیشتر بر حقوق مردم دهقانی تأکید می‌کرد.

با انقلاب روسیه، نیروهای قزاق از شمال ایران خارج شدند و در عوض انگلیسی‌ها پا به منطقه می‌گذارند. بنابراین

ارائه شود. یعنی توزیع‌کنندگان گاهی اوقات به خصوص وقتی که جنبش به موفقیت‌هایی دست می‌یافت بر طبق آرای خود عمل می‌کردند ولو این‌که بر خلاف آرای میرزا بوده باشد. به عبارت دیگر هر چند میرزا رهبر جنبش بود اما راهبری ایدئولوژیک نهضت به طور کامل در اختیار وی نبود. دوم؛ هر چند مهم‌ترین اصولی که جنبش طی هفت سال دنبال می‌نمود بدون تغییر باقی ماند اما با این وجود در مراحل مختلف جنبش تغییراتی ایجاد شده بود. بنابراین باید به این تغییرات نیز توجه کرد. سوم آن‌که استراتژی‌های به‌کارگیری ایدئولوژی نیز در مراحل مختلف جنبش متفاوت بوده است. مثلاً هر چند از شعارهای اصلی جنبش اخراج نیروهای بیگانه بوده اما در مقطعی در برابر نیروهای قزاق روسی به جنگ بر می‌خیزند و در مقطعی دیگر، از حمایت نیروهای انقلاب سرخ روسیه در برابر انگلیس استفاده می‌کنند.

#### معنادهی شواهد تاریخی: تحلیل جنبش جنگل

پس از امضای فرمان مشروطه در سال ۱۲۸۵، همه مجاهدان و مردمی که در این انقلاب سهیم بودند منتظر رفع بی‌عدالتی‌های سیاسی و اقتصادی از یک طرف و استقلال هر چه بیشتر کشور از طرف دیگر بودند. اما با توپ بسته شدن مجلس اول توسط محمدعلی شاه قاجار و انحلال مجلس دوم با التیماتیوم روسیه تزاری، امید انقلابیون و مردم بر باد رفت. آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳ش) شرایط ایران را در مرکز و شمال و جنوب پیچیده‌تر و بدتر کرد. در این شرایط میرزا کوچک‌خان که خود از مجاهدان انقلاب مشروطه بود، تصمیم به قیام مسلحانه در خطه گیلان گرفت. میرزا پس از چند سال که به علت حکم غیابی روسیه مجبور بود به گیلان مراجعت نکند در سال ۱۲۹۴ به رشت رفت و اندیشه قیام خود را اولین بار با دکتر حشمت در میان گذاشت. به این ترتیب حلقه اولیه نهضت با همراهی دکتر حشمت و حاج احمد کسمائی و چند تن دیگر شکل گرفت. این حلقه در ابتدا با عنوان «کمیته اتحاد اسلام» فعالیت خود را آغاز کرد.

انگلیسی‌ها دشمن جدید جنگلی‌ها شدند. همان‌طور که انگلیسی‌ها هم جنگلی‌ها را مزاحم خود می‌دیدند. چند درگیری جدی میان آن‌ها از جمله بمباران هوایی انگلیسی‌ها رخ داد. نهایتاً ارتش سرخ روسیه که وابسته به انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود برای مقابله با انگلیسی‌ها و حمایت از جنگلی‌ها وارد انزلی شدند. پس از انقلاب روسیه امیدی در برخی روشنفکران سوسیال‌دموکرات از جمله احسان‌الله‌خان و خالو قربان بوجود آمده بود، این امید و جنگ جنگلی‌ها با امپریالیسم انگلیس سبب شد آن‌ها به همراه دار و دسته خود به نهضت جنگل بپیوندند. در این شرایط موقعیت جنگلی‌ها تقویت می‌شود. به خصوص پس از کنگره‌ای که از طرف سوسیالیست‌های منطقه قفقاز با همراهی جنگلیان در انزلی برگزار شد و باعث شکل‌گیری «حزب کمونیست ایران» شد، موقعیت جنگلی‌ها بیشتر بهبود یافت. پس از این کنگره، حیدرخان عموآغلی که از سوسیال‌دموکرات‌های مشهور بود به نهضت جنگل پیوست. حیدرخان به لحاظ فکری و مالی وزنه بسیار نیرومندی بود و از طرف روسیه به طور کامل حمایت می‌شد. در این شرایط بود که جنگلی‌ها به کمک دوستان روسی خود شهر رشت را به تصرف درآوردند و اعلام «جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران» کردند. در واقع این برای اولین بار بود که در ایران سلطنت را ملغی و جمهوری را اعلام می‌کردند، همان‌طور که می‌دانیم در انقلاب مشروطه به دنبال الغای سلطنت نبودند. برنامه جنبش این بود که پس از رشت، با تقویت قوا، به سمت تهران حرکت کرده، آن را به تصرف درآورند. در این زمان، بعد از پنج سال و نیم که از آغاز نهضت می‌گذشت به نظر می‌رسید که جنبش به آرمان اولیه خود دست یافته است یا به عبارتی جنبش اهداف خود را تحقق بخشیده است. اما در حقیقت این نقطه اوج، نقطه سقوط و زوال جنبش نیز بود. این پارادوکس را باید در پارادوکس ایدئولوژی (جهت جنبش) شناسایی کرد. جنبش از ابتدا بر نفی دخالت بیگانگان در امور ایران (اعم از روسیه و انگلیس) و رفع ظلم و بی‌عدالتی با تفسیر دینی و مذهبی که

از آن می‌شد، بنا گذاشته شده بود.

اما بخشی از ماهیت این شرایط خیلی زود برای میرزا آشکار شد. به همین سبب در نصیحت حلقه اول جنبش و نیز یادآوری توافق نامه خود با روس‌ها مبنی بر عدم تبلیغ کمونیسم از یک طرف و روشن‌گری مردم درباره نهضت در مساجد از طرف دیگر سعی می‌کرد. اما این تلاش‌ها فایده‌ای نبخشید و تصمیم گرفت تا بهبود شرایط به جنگل برگردد. چند روز بعد کودتایی توسط توزیع‌کنندگان با حمایت روس‌ها علیه میرزا شکل گرفت. و میرزا را از مقام خود خلع کردند و احسان‌الله‌خان را به جای وی نشانادند. میرزا نامه‌هایی به لنین و مدیوانی نوشت و بر باد رفتن آرمان‌های آزادی خواهانه و مساوات طلبانه را فریاد زد اما لنین جوابی نداد و مدیوانی او را ضد انقلاب خواند. در این شرایط بود که معادلات دولت روسیه با دولت انگلیس و دولت ایران شکل جدیدی به خود می‌گرفت (مکان جنبش). دولت روسیه به دنبال بهبود روابط با انگلیس و دولت ایران بود. از همین رو دیگر نمی‌توانست از دولت پس از کودتای گیلان به رهبری احسان‌الله‌خان حمایت کند. در همین زمان، رضاخان نیز که به عنوان سردار سپه انتخاب شده بود، به رشت حمله کرد و بدون مقاومت چندانی آن را تصرف کرد. خالو قربان تسلیم شده، اما احسان‌الله‌خان به باکو فرار کرد و از آن پس ماهانه از دولت روسیه مقرری دریافت می‌کرد. قشون دولتی به دنبال میرزا به جنگل‌ها رفتند. میرزا قصد داشت با مخفی شدن در جنگل منتظر فرصت جدیدی باشد. اما در سرما و یخبندان طاقت نیاورد و جان سپرد. او را به رشت آوردند و سرش را از بدن جدا کردند و خالو قربان آن را به تهران برد و از رضاخان درجه سرهنگی دریافت کرد.

از آن جا که جنبش هم از لحاظ ایدئولوژیک و هم از لحاظ سازمانی انسجام خوبی نداشت، پس از مرگ میرزا عملاً جنبش جنگل ادامه نیافت و خاموش گردید.

## بررسی فرضیه تحقیق: جنبش دچار پارادوکس در

### ایدئولوژی

جنبش جنگل در زمینه‌ای اجتماعی شکل گرفت که کشور ایران انقلاب مشروطه را از سر گذرانده بود، دخالت‌های بیگانگان در امور داخلی ادامه داشت مانند به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی اول و دوم که در واقع مهم‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه بود و همچنین ضعف ساختار حکومتی، به علاوه فضای متشنج جهانی که مشغول جنگ جهانی اول بودند و ظلم و ستم‌های خوانین محلی، شرایط زمینه‌ای بوده است که مجاهدین را دعوت به مبارزه می‌کرد (زمینه اجتماعی). میرزا کوچک خان که از مبارزان مشروطه بود، حرکت خود را در رشت آغاز کرد. دوستان نزدیک وی مانند دکتر حشمت به او گرویدند و کم کم مردم نیز به آن اقبال نشان دادند (کنش‌گران). آن‌ها «نگهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان» بودند و رفع بی‌عدالتی و ظلم، نفی دخالت بیگانگان و از بین رفتن استبداد را مطالبه می‌کردند (ایدئولوژی). جنبش در سال پنجم خود توانست رشت را تصرف کند و در آن‌جا «حکومت جمهوری سرخ ایران» را تشکیل دهد. اما این موفقیت، با نقض ایدئولوژی و نه وفاداری به آن حاصل شده است. به عبارت دیگر، نقطه اوج جنبش در نقطه‌ای محقق شد که از ایدئولوژی اولیه خود فاصله گرفت. به این دلیل که اولاً با حمایت روس‌ها - هر چند روسیه پس از انقلاب - به قدرت رسیدند و ثانیاً با تفسیری سوسیالیستی از جمهوری و عدالت همراه شده بودند. این موضوع هم به علت دو مسأله بود: اول؛ میرزا که در واقع رهبر جنبش بود، هر چند شخصاً وطن‌پرست و اسلام‌خواه بود و در اوایل، جنبش را بر اساس همان ایدئولوژی اولیه که نزدیک به انقلاب مشروطه بود؛ پیش می‌برد - ولو به سختی - اما شناخت صحیحی از ماهیت روسیه پس از انقلاب نداشت، یعنی روسیه بلشویکی را کاملاً متفاوت از روسیه تزاری می‌دانست از همین رو به آن‌ها اعتماد کرد. همچنین ضمن تفکیک سوسیالیسم از کمونیسم، آرمان‌های

آزادی‌خواهانه و عدالت طلبانه خود را در سوسیالیسم می‌دید هر چند که مرام کمونیستی را رد می‌کرد. دوم؛ حلقه اول نهضت یعنی توزیع‌کنندگان جنبش، در سال ششم جنبش کاملاً متفاوت از سال دوم بودند. یعنی توزیع‌کنندگان مذهبی - زمین‌دار (دکتر حشمت و حاج احمد کسمائی) جای خود را به توزیع‌کنندگان غیرمذهبی - رادیکال (احسان الله خان، خالوقربان، حیدرخان عمواغلی) دادند. به واسطه این توزیع‌کنندگان، چند روز از اعلام جمهوری در رشت نگذشته بود که پیروان جنبش به خاطر تبلیغ مرام کمونیستی ابراز نارضایتی می‌کردند و از جنبش فاصله گرفتند.

لذا موارد نقض ایدئولوژی اولیه را می‌توان این‌گونه برشمرد: اول؛ موفقیت جنبش با کمک مستقیم روسیه بوده است هر چند که روسیه بلشویکی بود و نه روسیه تزاری و حتی «سرخ» بودن حکومت ایران از انقلاب سرخ روسیه وام گرفته شده است، دوم؛ حکومت جمهوری مرام کمونیستی و اشتراکی را برای رفع بی‌عدالتی ترویج و اعمال می‌کرد که خیلی زود مردم را به شدت ناراضی کرد چون نه حافظ حقوق‌شان بود و نه بیانگر افکارشان. سوم؛ حکومت جمهوری هر چند نام جمهوری را یدک می‌کشید اما در مدت یک و سال حضور در گیلان، نتوانست هیچ انتخاباتی تشکیل دهد و آراء و نظرات مردم را مستقیماً در حکومت‌داری دخیل کند، این جمهوری بیش از آن‌که واقعاً جمهوری باشد، استبدادی از نوعی دیگر بود. به خصوص از زمانی که میرزا کوچک خان این جمهوری را ترک کرد و به دست جناح موسوم به رادیکال - غیرمذهبی وابسته به روسیه افتاد. این سه مورد به ترتیب سه رکن ایدئولوژی جنبش را (نفی دخالت بیگانگان، رفع ظلم و بی‌عدالتی با تفسیر ایرانی و اسلامی، مبارزه با استبداد داخلی) نقض کرد. از همین رو، جنبش با تشکیل حکومت جمهوری نه تنها به موفقیتی بر اساس ایدئولوژی اولیه خود دست نیافت بلکه نقطه افول خود را نیز از همین جا آغاز کرد و در نهایت از هم فروپاشید. بنابراین شکل‌گیری و رشد جنبش بر اساس ایدئولوژی خاص خود که هماهنگ با کنش‌گران و زمینه اجتماعی بوده محقق شده است، در

کرمانی، ن. (۱۳۷۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر.  
 گیلک، م. (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: نشر گیلکان.  
 متولی، ع. (۱۳۹۰). «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل»، *مجله جستارهای فرهنگی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
 محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش*، جلد ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- Blumer, H. (1969) *Social movements*, Lee, A. M., Principles of sociology (Barnes & Noble).  
 Crossley, N. (2002) *Making sense of social movements* (Philadelphia, open University press)  
 Diani, M. and Donatella della P. (2006) *social movement: an introduction* (malen Blackwell Publishing).  
 Katouzian, H. (1981) *The Political Economy of Modern Iran, Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979* (The Macmillan Press Ltd).  
 Lambton, Ann S. (1988) *Qajar Persia* (Austin, University of Texas Press).  
 Layder, D. (2006) *Understanding Social Theory*, second Ed. (London, Sage Pub.).  
 McCarthy, John D. & Zald, Mayer N. (1973) *The Trend of Social Movements in America: Professionalization and Resource Mobilization* (Morristown, N.J., General Press).  
 Melucci, A. (1989) *Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs In Contemporary Society* (London, Hutchinson).  
 Pawson, R. (2006) *Evidence-Based Policy: A Realist Perspective*, (London, Sage Pub.).  
 Robertson, I. (1988) *Sociology*, Third Ed. (N. Y. Worth Pub. Inc.).  
 Scott, A. (1990) *Ideology and the New Social Movements* (London, Unwin Hyman).  
 Smelser, Nil J. (1962) *Theory of Collective Behaviour* (London, Routledge Kegan Paul).  
 Tilly, Ch. (1978) *From Mobilization to Revolution: Readings* (Mass., Addison-Wesley).  
 Toch, H. (1966) *The Social Psychology of Social Movements* (London, Methuen).  
 Touraine, A. (1981) *The Voice and The Eye: An Analysis of Social Movements* (Cambridge: Cambridge University Press).  
 Wilson, J. (1973) *Introduction to Social Movements* (N.Y., Basic Books).

ادامه ایدئولوژی جنبش تغییر کرد. تغییری که هماهنگ با زمینه اجتماعی و اکثر کنش‌گران جنبش نبوده است. به دلیل همین عدم هماهنگی میان این سه رکن، جنبش در ابتدا تغییر مسیر می‌دهد (از یک جنبش عدالت خواهانه مبتنی بر نفی استبداد و دخالت بیگانگان به یک جمهوری سوسیالیستی مبتنی بر نگرش عدالت خواهانه سوسیالیستی شوروی) سپس فرو می‌پاشد، از همین رو فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### منابع

- آبراهامیان، ی. (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز.  
 ایمان، م. (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
 بلیکی، ن. (۱۳۹۱). *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه: حسنی، ایمان و ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
 خمایی‌زاده، ج. (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی گیلان*، تهران: گروه پژوهشگران ایران.  
 دولت‌آبادی، ی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: نشر عطار.  
 رابینو، ل. (۱۳۷۴). *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، ترجمه: جعفر خمایی‌زاده، رشت: انتشارات طاعتی.  
 رواسانی، ش. (۱۳۸۱). *نهضت جنگل*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
 زاهد زاهدانی، س. (۱۳۸۹). *جنبش‌های سیاسی معاصر*، قم: نشر طه.  
 سایر، آ. (۱۳۸۵). *روش در علوم اجتماعی: رویکردی رئالیستی*، ترجمه: عماد افروغ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
 فخرایی، ا. (۱۳۶۲). *سردار جنگل*، تهران: انتشارات جاویدان.